

## جنایت جنگی آمریکا در شهر فلوجه عراق و مقاومت سرسختانه مردم دلاور آن

حقیقت ارگان حزب کمونیست ایران (م-ل-م) شماره ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۳

جنگ بین ارتش آمریکا و نیروهای مقاومت عراقی، در شهر ۲۵۰ هزار نفره شهر فلوجه ادامه دارد. جنگ فلوجه تاثیرات تعیین کننده در تشدید مقاومت مردم سراسر عراق علیه اشغالگران آمریکائی داشته است. تحلیلگران بین المللی، اوضاع عراق را "یک ویتنام دیگر برای آمریکا" می خوانند. مقاومت مردم فلوجه "شورای حکومتی عراق" را کاملاً از اعتبار و مشروعیت انداخت بطوریکه آمریکا مجبور شد آن را کنار بگذارد و طرح جدیدی را که سازمان ملل برای تولید یک حکومت دست نشانده ارائه داده است قبول کند. اینهم شکست خواهد خورد!

جنایت‌های آمریکا در فلوجه ادامه دارد. همه می دانند که ارتش آمریکا در فلوجه چه کرد و چه می کند. با این وجود، سازمان ملل متحد و سازمان‌های بین المللی حقوق بشر خفقان گرفته اند. ارتش آمریکا از روز ۱۶ فروردین، شهر فلوجه را محاصره کرد، و بمدت چند روز همه راه های خروجی شهر را بروی مردم بست و سپس از زمین و هوا با هواپیما، هلیکوپتر، تانک و موشک همه جای شهر، بازار، بیمارستان، اماکن مسکونی، مساجد، و غیره را زیر آتش گرفت. طبق آمار مطبوعات بین المللی ۶۰۰ نفر از مردم این شهر کشته شدند که ۳۵۰ نفرشان کودک و زن می باشند. استادبوم ورزشی شهر تبدیل به گورستان شد. با این حال مقامات ارتش آمریکا وقیحانه مدعی اند که با موشکهای "دقیق" فقط به هدفهای نظامی چریکهای عراقی شلیک کرده اند.

ظاهراً حمله به شهر فلوجه به تلافی کشته شدن چهار مامور امنیتی ارتش آمریکا (که دولت آمریکا آنان را "مقاطع کار خصوصی" می خواند) شروع شد. اما تنبیه مردم فلوجه از روز ۲۶ مارس (۶ فروردین) یعنی چهار روز قبل از به کمین افتادن ماشین "مقاطع کاران" شروع شده بود. در روز ۶ فروردین "نیروی تجسس" ارتش آمریکا با ماشین های زره پوش و تانک وارد شهر شدند. دو محله بسیار بزرگ را محاصره کردند و تمام راه های خروج را بستند و شروع به شکستن در خانه های مردم و دستگیری آنان کردند. سپس شلیک شروع شد و پس از آن به مدت یکروز تمام شهر بمباران شد. در این روز ۹ نفر از مردم شهر کشته و صدها نفر زخمی شدند. پس از ۴ روز سربازان در پناه ماشین های زره پوش خود در خیابانها براه افتادند و به تهدید اهالی شهر پرداختند که: دست از مقاومت بکشید یا اینکه شهر را با خاک یکسان می کنیم!

در روز ۱۲ فروردین سه ماشین حامل آمریکائی های تا دندان مسلح، به کمین نیروهای مقاومت شهر فلوجه افتاد. یکی از ماشین ها از مهلکه فرار کرد اما سرنشینان دو ماشین دیگر آتش گرفته و سوختند. این عملیات موفقیت آمیز، مردم درد کشیده و فقیر شهر فلوجه را که در محاصره غول پیکرترین و بیرحم ترین ارتش دنیا، غرق شادی و سرور کرد؛ سرمستی آنان از پیروزی بر دشمن بر صفحات تلویزیونها ظاهر شد و همه ستمدیدگان جهان را مسرور کرد.

پس از این واقعه ارتش آمریکا به جنگ علیه تمام شهر فلوجه دست زد. جنگ نابرابر و زیوانانه ای که هنوز ادامه دارد. جورج بوش در یک پیام رادیویی مردم فلوجه را دشمنان آزادی و دموکراسی خواند و گفت: «عملیات قاطعانه ما کماکان ادامه دارد... و نیروهای ما بلوک به بلوک کنترل شهر را در دست می گیرند... اسرانی گرفته ایم و در حال جمع کردن اطلاعات هستیم... عملیات قاطعانه ما ادامه خواهد یافت تا حساب این دشمنان دموکراسی را برسیم.»!!! (به نقل از روزنامه اینترنشنال هرالد تریبون- ۱۲ آوریل ۲۰۰۴ - صفحه ۷)

اما "هر جا ستم است، مقاومت هم هست". نیروهای مقاومت شهر فلوجه در مقابل این جنایت، دست بسته نماندند. و با همان سلاح های ابتدائی خود در یک هفته بیش از شصت سرباز آمریکائی را کشتند. اکثریت کشته شدگان فلوجه کودکان و زنان و افراد مسن، اما کشته های آمریکائی همه سربازان ارتش و نظامیان هستند. مقاومت دلیرانه مردم فلوجه حس همبستگی و تحسین دیگر مناطق عراق را نیز برانگیخت بطوریکه بر خلاف میل و نظر رهبران مذهبی مرتجع شیعه که خود را قیم مردم کرده اند، جوانان به یاری مردم شهر فلوجه شتافتند و شهرهای شیعه نشین جنوب عراق نیز به عملیات چریکی علیه ارتش آمریکا پرداختند. سربازان عراقی که توسط آمریکا تعلیم یافته اند، از پیوستن به عملیات علیه شهر فلوجه سر باز می زنند بطوریکه تا کنون ۲۰۰ تن از این سربازان به اتهام "تمرد" توسط ارتش آمریکا دستگیر و زندانی شده اند.

## تاریخچه فلوجه

سرویس خبری جهانی برای فتح (۵ آوریل) تاریخچه مناسبات میان ارتش آمریکا و مردم فلوجه را چنین شرح می دهد:

آمریکا، کشتار مردم فلوجه را در سال ۱۹۹۱ شروع کرد. بنا به به گفته مقامات آمریکائی، ارتش برای نشان دادن دقت در عملیات پاکسازی، در خلال جنگ نخست آمریکا علیه عراق، با موشکهای کروزر بازار مملو از جمعیت را در این شهر هدف قرار داد. حداقل صد نفر از مردم کشته شدند. آمریکا هرگز توضیح نداد که چرا سلاح های کشتار جمعی خود را بسوی مردم بازار این شهر شلیک کرد.

طی چند روز گذشته، مقامات آمریکائی سعی نموده اند با توسل به این ادعا که فلوجه پایگاه صدام حسین است جنگ شان علیه مردم فلوجه را توجیه کنند. این دروغ است. چرا که حکومت صدام هم شهر فلوجه را خطرناک بحساب می آورد. کارگران کارخانه ها، کشاورزان و دیگر فقرا، مانند اکثر عراقی ها، تحت ستم رژیم بودند که تا سال ۱۹۹۰ مورد حمایت آمریکا و دیگر قدرتهای غربی بود. معروف است که پیشنمازهای شهر فلوجه همیشه از آوردن نام صدام حسین در مراسم دعا خوانی سر پیچی می کردند.

جنگ مردم فلوجه با سربازان آمریکائی، از آوریل سال گذشته، یعنی در ست چند روز پس از آنکه متجاوزین آمریکائی "پیروزی" خود را در اشغال عراق اعلام کردند، شروع شد. لشکر مستقر در فلوجه ساختمان مدرسه این شهر را اشغال کرده و بساط خود را در آنجا پهن کرد. وقتی که دانش آموزان و والدینشان جمع شده و از سربازان آمریکائی خواستند که مدرسه را تخلیه کنند تا مدرسه باز گشوده شود، سربازان جمعیت را به رگبار بسته و بیست دقیقه بروی مردم آتش گشودند. نه تنها کسانی را که در مقابلشان بود کشتند بلکه جمعیتی را که فرار میکرد دنبال کرده و هر کس را گیر آوردند، کشتند...

این است داستان فلوجه.

اما "مقاطعہ کاران خصوصی" که در کمین گذاری فلوجه کشته شدند چه کسانی بودند؟

### مقاطعہ کاران امنیتی در عراق مشغول ساختن جامعه مدنی!

پس از اینکه نیروهای مقاومت فلوجه برای کاروان پاترول "مقاطعہ کاران" کمین گذاشته و چهار تن از آنان را کشتند، تا چند روز دولت آمریکا تبلیغات کر کننده براه انداخت که چریکهای فلوجه "مقاطعہ کاران غیر نظامی" را به قتل رسانده اند. تا چندین روز دولت آمریکا از آشکار کردن هویت این "مقاطعہ کاران" پرهیز کرد. مردم فلوجه در مصاحبه با خبرنگاران خارجی قسم می خوردند که این "غیر نظامیان" مامورین مخفی ارتش آمریکا بودند و در حال انجام ماموریت برای ارتش آمریکا بودند. اما هیچکس حرف آنها را باور نمی کرد. تا اینکه بالاخره راز کثیف آشکار شد و به یکباره داستان حیرت انگیز دهها شرکت خصوصی نظامی و امنیتی که با حمایت دولت آمریکا بوجود آمده اند، و مرکز صدور آدمکشان و شکنجه گران حرفه ای به اقصی نقاط جهان می باشند، افشا شد.

این شرکتهای خصوصی طرف قرارداد ارتش آمریکا هستند و ارتش آمریکا بخشی از کارهای نظامی و امنیتی خود را از طریق آنان پیش می برد. کارکنان این شرکتهای "مقاطعہ کاری" کماندوهای تعلیم یافته می باشند که هر يك حداقل به مدت سه سال در نیروهای نخبه ارتش آمریکا خدمت کرده اند. در حال حاضر تعداد این "مقاطعہ کاران" در عراق به ۱۵ هزار نفر می رسد. یکی از این شرکتهای "بلاک واتر" نام دارد. این شرکت در تبلیغات سایت اینترنتی خود می نویسد: "ما دارای شبکه جهانی هستیم و برای قرن بیست و یکم آموزش و راه حل های تاکتیکی ارائه می دهیم. مشتریان ما سازمان های اجرای قانون در سطح حکومت فدرال (آمریکا)، وزارت دفاع (آمریکا)، وزارت امور خارجه (آمریکا)، نهادهای حمل و نقل، نهادهای دولتی و محلی سراسر کشور، شرکتهای چند ملیتی و کشورهای دوست در سراسر جهان می باشند." شرکت بلاک واتر يك ارتش خصوصی مزبور است که از نزدیک به مراکز قدرت در آمریکا وابسته است. یکی از اداره های مرکزی آن نزدیک مقر سازمان سیا در ویرجینیا می باشد. پایگاه نظامی تعلیمات کماندوئی آن محوطه ای به مساحت ۵ هزار آکر است و مجهز به آخرین تجهیزات نظامی ضروری است. در سال ۲۰۰۲ قرارداد دادی به مبلغ ۳۵۷ میلیون دلار از نیروی دریائی ارتش آمریکا برای تعلیم پرسنل آن دریافت کرد. اما کار اصلی بلاک واتر فرستادن ارتش خصوصی خودش به ماموریت های مختلف و بین المللی است. فقط افراد نخبه ارتش و پلیس و نیروی دریائی و تفنگداران دریائی آمریکا را استخدام می کند. اخیرا به استخدام و تعلیم کماندوهای رژیم پینوشه شیلی پرداخته است. یکی دیگر از ارتش های خصوصی آمریکا، شرکتی بنام "شرکت منابع حرفه ای نظامی" ( Military Professional Resources Inc ) است. این شرکت می گوید که ۱۲۵۰۰ متخصص کهنه کار در زمینه های عملیات هسته ای، حملات زیر دریائی و غیره دارد. و عهده دار مشاغل همچون تقویت امنیت پایگاه های نظامی آمریکا در کره، تعلیم ارتش های خارجی در کویت و آفریقای جنوبی و غیره است. رئیس این شرکت ژنرال بازنشسته آمریکا کارل وونو می باشد که در جریان جنگ اول آمریکا علیه عراق و حمله به پاناما رئیس ستاد فرماندهی نیروهای نظامی آمریکا بود. همسر تام داشل (رئیس فراکسیون حزب دموکرات آمریکا در سنا) یکی از لابی ها (واسطه های) این شرکت در مذاکره با نمایندگان کنگره آمریکا می باشد. (به نقل از ماهنامه Mother Jones شماره مه - ژوئن سال ۲۰۰۳)

معاملات این ارتش های خصوصی بالغ بر صد میلیارد دلار در سال است. اغلب این ارتش های خصوصی وابسته به شرکتهای معظم آمریکائی مانند هالی برتون، دین کورپ، لاکهید، گرومن و ریتون می باشند. این کمپانیها، صنایع نظامی آمریکا را در اختیار دارند. دیک چنی که معاون جورج بوش می باشد قبل از رئیس جمهور شدن جورج بوش، رئیس شرکت هالی برتون بود. شرکتهائی که قبلا فقط بمب افکن و اسلحه تولید می کردند اکنون بخش "ارائه خدمات" در زمینه حملات نظامی را نیز بعهده گرفته اند. مشخصا این شرکتهای در کلمبیا به جنگ با چریکهای آن کشور مشغولند. اکنون ارتش آمریکا بسیاری از ماموریت های بین المللی خود را از طریق این "مقاطعہ کاران" انجام می دهد. به این ترتیب وقتی که نیروهای نظامی غیر رسمی آمریکا مرتکب جنایتهای جنگی (مانند قتل عام اهالی غیر نظامی) و زیر پا گذاشتن قوانین جنگی معاهده بین المللی ژنو می شوند، دولت آمریکا می تواند گریبان خود را خلاص کند و بگوید "مقاطعہ کار خصوصی" اند!

## مقتدا صدر، آخوند شیعه نجف، سگ کیست؟

همزمان با محاصره شهر فلوجه و آغاز جنگ شدید میان نیروهای مقاومت شهر و ارتش آمریکا، یکی از آخوندهای شیعه به نام مقتدا صدر به ارتش لمپن خود که نامش میلیشیای "المهدی" است فراخوان "قیام" داد. این واقعه به یقین مشکوک بود و هدفش منحرف کردن افکار عمومی جهان از جنایتی که در فلوجه رخ می داد و ممانعت از وحدت جوانان مبارز مناطق شیعه با نیروهای مقاومت فلوجه بود. (به اطلاعیه حزب با عنوان "از دهان رفسنجانی کثافت بیرون می آید"، رجوع کنید). اما، تمام ماجرا به ضد خود تبدیل شد. رهبران مذهبی شیعه که علیه مقاومت ضد امپریالیستی مردم عراق لجن پراکنی می کنند، و در میان خودشان مانند باندهای مافیائی بر سر قدرت بروی یکدیگر چنگ و دندان می کشند، بشدت در میان توده های مردم مناطق شیعه نشین، بخصوص دانشجویان و دانش آموزان، که از اشغال کشورشان توسط آمریکا و نیروهای ائتلاف به ستوه آمده اند، بی اعتبار شده اند.

تا آنجا که به شخص مقتدا صدر بر میگردد، وی و همپالگی هایش فقط يك تقاضا از آمریکا دارند و آن اینکه بخاطر به قتل رساندن يك آخوند شیعه دیگر به نام خوئی، از سوی مقامات آمریکائی تحت تعقیب قرار نگیرند و آن عده از همدستان مقتدا صدر که به این جرم در زندان بسر می برند آزاد شوند. خوئی، آخوندی بود که پس از اشغال عراق، انگلیسی ها سوار بر هواپیماهای نظامی از لندن به کویت و سپس سوار بر تانک به نجف رساندند. اما چند روز پس از مستقر شدن در نجف توسط طرفداران مقتدا صدر در مسجد امام علی به قتل رسید. یعنی جائی که طبق باورهای شیعه نباید کسی را کشت!

مقتدا صدر در نوامبر سال گذشته (۵ ماه پیش) ضمن ابراز چاکری، از آمریکا تقاضا کرد که روابط بهتری با گروه وی برقرار کند. وی به نیروهای ائتلاف آمریکا در عراق پیام فرستاد که: "به من اجازه دهید در جلسات، سمینارها و اردوها و کلیساهای شما شرکت کنم. ما چشم براهیم و احساسات دوستانه ای نسبت به شما داریم. عراقی ها آرزوی نیک بختی برای آمریکا دارند. تنها دشمنان عراق، صدام حسین و طرفداران او هستند که نیروهای مخربی می باشند."

(به نقل از پیام مقتدا صدر به نیروهای ائتلاف آمریکا در عراق -- گزارش رادیو اروپای آزاد-رادیو آزادی به تاریخ ۷ نوامبر ۲۰۰۳)

نیروهای ارتجاعی شیعه در عراق و مقامات امنیتی و نظامی آمریکا سخت در تلاشند که مانع از شکل گیری وحدت میان مردم مناطق شیعه نشین و سنی نشین شوند. ژنرال ریکاردو سانچز که فرمانده ارتش آمریکا در عراق است می گوید، "خطر آنطور که بنظر می آید این است که احتمالا پیوند هائی از سطوح پائین در میان سنی و شیعه در حال شکل گیری است. ما باید خیلی سخت تلاش کنیم که این وحدت از حد تاکتیکی فراتر نرود." (به نقل از اینترنشنال هرالد تریبون- ۹ آوریل ۲۰۰۴ - صفحه ۵)

## طرحهای بعدی آمریکا برای عراق

واضح است که بر خلاف ادعاهای مقامات آمریکائی نه تنها جنگ در عراق تمام نشده بلکه تازه شروع شده است: جنگ مردم عراق علیه قوای اشغالگر. امپریالیسم آمریکا هنوز نتوانسته يك حکومت دست نشانده قدرتمند عراقی شکل دهد. و حتا اگر بتواند چنین حکومتی را بوجود آورد، قوای نظامیش را از عراق بیرون نمی برد زیرا عراق پایگاهی است برای پیشبرد طرح های آمریکا در خاورمیانه و جمهوری های آسیائی. اعلام تحویل قدرت در عراق به يك حکومت عراقی در خرداد ماه آینده دروغ و تزویری بیش نیست. طرح آمریکا کم کردن از **ظواهر اشغال نظامی** است. آمریکا قصد دارد تعداد قرارگاه های ارتش آمریکا را در بغداد از ۲۶ به ۸ برساند (البته این بستگی به تکوین اوضاع دارد). بخش دیگری از طرح آمریکا آن است که بخشی از کار برقراری "امنیت" در عراق را به "مقاطع کاران بخش خصوصی" یعنی به ارتش های خصوصی آمریکائی بسپارد. و صد البته تعلیم و تربیت يك دستگاه امنیتی عراقی (پلیس عراق) بخشی لاینفک از ماجراست. هم اکنون آمریکا این نیروهای امنیتی را در اردن تعلیم می دهد. اگر این طرحها تحقق بیابد، آمریکا ارتش خود را به قرارگاه های بیرون شهرها خواهد کشید و اداره شهرها را به عراقی ها و "مقاطع کاران بخش خصوصی" خواهد سپرد. تا آنجا که به حفظ ظواهر امر در رابطه با نگه داشتن ارتش آمریکا در خاک عراق مربوط است، نقشه آنست که پس از سی ام ژوئن (خرداد ماه آینده) وقتی "حکومت عراقی" قدرت را در دست گرفت، از آمریکا رسماً تقاضا کند که ارتش آمریکا را تا مدت نامعلومی در عراق نگه دارد. پس از دادن حکومت به دست يك "حکومت عراقی"، جنگ آمریکا علیه مردم عراق تحت عنوان دفاع از حکومت مشروع عراق پیش خواهد رفت.

آمریکا صدها میلیون دلار بودجه به تعلیم "نیروی پلیس مخصوص" عراق اختصاص داده است. منظور از "نیروی پلیس مخصوص" سازمان امنیت است که کارش شکار مخالفین سیاسی و نیروهای مقاومت خواهد بود. این نیرو از هم اکنون در پایگاه هائی در اردن تعلیم می بیند. اینها به انواع و اقسام وسائل جاسوسی در میان مردم مجهز می شوند. انواع و اقسام شکنجه ها را تعلیم می بینند. انواع و اقسام روشهای بیرون کشیدن اطلاعات از قربانیان را می آموزند. "رادیو آزادی- رادیو اروپای آزاد" (که متعلق به سازمان سیا می باشد و مرکزش در پراگ است) از قول خبرگزاری رویتر گزارش داد که در روز ۶ آوریل (۱۸ فروردین) کابینه بوش طی گزارشی به کنگره آمریکا اطلاع داد که بخشی از بودجه مربوط به تعلیم ارتش عراق را به تعلیم يك نیروی پلیسی اختصاص خواهد داد. به این ترتیب ۶۵ میلیون دلار از

بودجه تعلیم ارتش و ۲۰ میلیون دلار از بودجه تعلیم نگهبانان مرزی، و ۸ میلیون دلار از بودجه حفاظت از اماکن را به تعلیم این نیروی پلیس اختصاص خواهد داد. همچنین ۶۰۰ میلیون دلار برای اتمام پادگان تعلیمات پلیسی که در اردن در دست ساختمان است، و استقرار ۷۰۰ آمریکایی که مشاور امور پلیسی و استاد این حرفه هستند، اختصاص می دهد. مسئله بدینجا ختم نمی شود زیرا آمریکا و قدرتهای امپریالیستی اروپا برنامه های پلیسی بسیاری برای مردم عراق تدارک دیده اند. البته متوجه باشید که همه اینها برای "آزاد کردن مردم عراق است و نه برای به بند کشیدن و شکنجه آنان". و متوجه باشید که سازمان امنیت و پلیس و پادگانهای تعلیماتی پلیس در اردن برای تحکیم و تکامل "جامعه مدنی" در کشورهای خاورمیانه است. اشتباه نکنید!

طرح های امنیتی آمریکا، بر انتخاب جانشین آینده پل برمر نیز تاثیر می گذارد. پس از پل برمر فرماندار کنونی عراق، شخصی بنام نگر و پونته سفیر آمریکا در عراق خواهد شد. بر خلاف سفارتهای معمولی، این سفارتخانه آمریکا دارای ۳۰۰۰ کارمند خواهد بود! علت انتخاب نگر و پونته به این مقام آنست که وی در سالهای ۱۹۸۰ که تمام کشورهای آمریکای لاتین را بحران سیاسی فرا گرفته بود و جنبش های چریکی در کشورهای مختلف اوج گرفته بود، او سفیر آمریکا در هندوراس بود. و از آنجا عملیات ضد رژیم ساندنیست در نیکاراگوئه و شبه نظامیان ال سالوادور و گواتمالا را در سرکوب چریکهای این کشورها و ترور روستائیان هدایت می کرد. با وجود آنکه وی از سوی سازمان ملل متحد بخاطر نقض حقوق بشر در هندوراس و حمایت از رژیم های جنایتکار آمریکای لاتین زیر سوال رفته است، اما جورج بوش وی را بعنوان سفیر آمریکا در سازمان ملل منصوب کرد. البته باید متوجه باشید که نگر و پونته قرار است به تقویت نهادهای "جامعه مدنی" در عراق کمک کند و نه به قتل و ناپدید کردن مخالفین آمریکا در عراق! اشتباه نکنید، نیات حسنه است!